

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....

دانشگاه پیام نور
مرکز تهران
دانشکده الهیات و علوم اسلامی
گروه فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

موضوع
رابطه حادث به قدیم از دیدگاه ابن سینا و سهروردی، باتکیه بر آثار
تمثیلی سهروردی

استاد راهنما
آقای دکتر رضار سولی شریانی

استاد مشاور
آقای دکتر ناصر محمدی

نگارنده
اسفندیار غلامی

سال تحصیلی
۱۳۸۹ - ۱۳۹۰

تقدیم به:

فیلسوف عالیقدر و همشهریم، شیخ شهاب الدین یحیی بن حبش سهروردی که ارادت و علاقه این جانب به او باعث شد که این مجموعه گردآوری شود.

و تقدیم به روح پدر مرحومم که علاقه فراوانی به موفقیت این حقیر در امر تحصیل داشت.



سپاس گزاری

خداوند تبارک و تعالی را سپاس می گویم که ماراتوفیق داد تا بتوانیم این تکلیف را به سرانجام برسانیم و نیز شکر می گویم اورا به خاطر تمام گره گشایی هایی که برای من در این کار و نیز در تمام مراحل زندگی ام که با آنها مواجه بوده ام داشته است.

و تشکر می کنم از زحمات اساتید گرامی جناب آقای دکتر رضارسولی شریانی و آقای دکتر ناصر محمدی به ترتیب اساتید راهنما و مشاورم که با دقت و صمیمیت فراوان، وقت زیادی از اوقات شریف خود را صرف این کار نمودند. مخصوصاً از زحمات فراوانی که به خاطر این مجموعه متحمل شدند نهایت سپاس گزاری را دارم.

در ادامه از همکاری آقای دکتر سیدیحیی یثربی و زحمات خانواده ام و مخصوصاً مادرم تشکر می کنم که دعای او همیشه پشتوانه محکمی برای این حقیر، چه در این کار و چه در سایر امور بوده است.

چکیده

نظام آفرینش از دیدگاه فلسفه ی مشاء، بر مبنای عقل ده گانه است و آنها معتقدند که این عقول واسطه آفرینش سایر موجودات جهان هستند. سپس آنها به اصل سنخیت یافتن میان علت و معلول تاکید میکنند. و میگویند که از موجود بسیط تنها یک معلول صادر میشود. که منظور از آن عقل اول است و سپس با وجود جهاتی که در عقل اول است عقل دوم و فلک اول به وجود می آیند و به همین ترتیب سایر عقول و سایر افلاک به وجود می آیند تا نوبت به عقل دهم و فلک نهم می رسد که از عقل دهم که نام دیگر آن عقل فعال است عقل و فلکی دیگر صادر نمیشود بلکه صور اجسام عناصر از عقل فعال به وجود می آیند و در تحقق هیولای مشترک عناصر سه عامل عقل فعال، اجرام آسمانی (افلاک) و صور عناصر دخالت دارند. سپس از پیدایش عناصر چهارگانه، سایر موجودات عالم کون و فساد از جمله انسان به وجود می آیند. ابن سینا وجود نفس را در انسان اثبات کرده و حدوث آن را جسمانی می داند.

لیکن نظام آفرینش از دیدگاه سهروردی بر مبنای انوار طولیه و عرضیه و اشراقات و مشاهدات میان آن ها صورت می پذیرد. و این امر بر اساس تباین میان موجودات و سنخیت بین علت و معلول است. سپس سهروردی پیدایش کثرت در عالم را به واسطه ی نوردوم (صادر اول) می داند. و همین طور بر وجود ارباب انواع و مثل عقلانی و نوری تاکید کرده است و وجود این انوار را دلیل وجود انواع کثیر موجودات مادی می داند و می گوید این رب النوع ها به مدیریت و هدایت انواع خود میپردازند.

سهروردی بر اساس قاعده ی امکان اشرف ترتیب وجودی موجودات را تبیین می کند که بعد از خلقت موجودات عالی و عالم انوار، نوبت به پیدایش عالم ماده و عناصر مادی می رسد که از عناصر چهارگانه ی آب و آتش و هوا و خاک، سایر موجودات از جمله انسان از این عناصر به وجود می آیند. او در آخربه چگونگی حدوث نفوس بشری پرداخته و آنها را جسمانی الحدوث دانسته است.

کلیدواژه: آفرینش، ابن سینا، سهروردی، فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، عقول، افلاک، عناصر چهارگانه، هیولی، مزاج

فهرست مطالب

فصل اول (مقدمه و کلیات).....	ی
مقدمه.....	ک
تعریف مسأله.....	ف
سوالات اصلی تحقیق.....	ف
سابقه و ضرورت تحقیق.....	ص
فرضیه ها.....	ص
هدف ها.....	ق
تعریف اصطلاحات.....	ر
فصل دوم (ربط حادث به قدیم از دیدگاه ابن سینا).....	۱
مقدمه فصل دوم.....	۲
۴ حادث و قدیم از نگاه ابن سینا.....	۳
۴ وجود و زمان.....	۵
۳ هر حادث زمانی قبل از خود، دارای ماده ای است.....	۸
۴ حدوث ذاتی.....	۱۱

- ۵ انواع تقدم و تاخر..... ۱۲
- ۶ امکان و وجوب..... ۱۳
- ۷ اثبات وجود واجب الوجود..... ۱۴
- ۸ صفات واجب الوجود..... ۱۶
- ۹ علم واجب الوجود..... ۱۷
- ۱۰ نحوه فاعليت حق تعالى..... ۱۹
- ۱۱ اثبات عقول..... ۲۱
- ۱۲ دائمی بودن حرکت و اثبات دوام فیض ۲۳
- ۱۳ وجود زمان دلیل بردایمی بودن خلقت است..... ۲۷
- ۱۴ غایت آفرینش..... ۲۸
- ۱۵ ملاک نیازمندی معلول به علت..... ۳۳
- ۱۶ ترتیب موجودات..... ۳۴
- ۱۷ پیدایش افلاک..... ۳۵
- ۱۸ انگیزه ی نفوس از تحریک افلاک چیست؟..... ۳۶
- ۱۹ علت اختلاف حرکات افلاک..... ۳۸
- ۲۰ عامل حوث پدیده ها..... ۳۹
- ۲۱ چرا فقط حرکت دوری می تواند متصل و مستمر باشد؟..... ۴۲
- ۲۲ محرک حرکت وضعی دوری چیست؟..... ۴۳

۴۳	تأثیر و تأثر عقل و نفس.....	۴۶
۴۴	کیفیت صدور کثیر از واحد بسیط.....	۴۷
۴۵	تحقق عالم کون و فساد.....	۴۹
۴۶	هیولی و اثبات آن.....	۵۱
۴۷	پیدایش و اختلاف صور عناصر مادی.....	۵۳
۴۸	حصول نفس ناطقه.....	۵۶
۴۹	حدوث نفس.....	۵۷
۵۹	فصل سوم (ربط حادث به قدیم از دیدگاه سهروردی).....	۵۹
۶۰	مقدمه فصل سوم.....	۶۰
۶۱	بخش اول (مفهوم نور از دیدگاه سهروردی).....	۶۱
۶۲	۱ تعریف نور.....	۶۲
۶۴	۴ بحث نور و ظلمت در فلسفه سهروردی.....	۶۴
۶۷	بخش دوم (چگونگی آفرینش از دیدگاه سهروردی).....	۶۷
۶۸	۱ حادث و قدیم.....	۶۸
۷۰	۴ انواع موجودات به لحاظ جهات عقلی.....	۷۰

- ۳ اثبات واجب الوجود..... ۷۲
- ۴ یکتایی و بساطت واجب الوجود..... ۷۵
- ۵ علم واجب تعالی به ذات خود..... ۷۶
- ۶ علم واجب الوجود نسبت به سایر موجودات..... ۷۸
- ۷ ارتباط بساطت واجب الوجود و صفات او..... ۸۰
- ۸ نفی غرض از افعال الهی..... ۸۱
- ۹ اراده واجب تعالی در رابطه با خلقت..... ۸۳
- ۱۰ قاعده ی امکان اشرف..... ۸۵
- ۱۱ از واحد حقیقی جزیک معلول صادر نمی شود..... ۸۶
- ۱۲ کیفیت صدور کثیر از واحد..... ۸۹
- ۱۳ زمان..... ۹۱
- ۱۴ دایمی بودن آفرینش..... ۹۳
- ۱۵ ارباب انواع..... ۹۵
- ۱۶ اقسام ارباب انواع..... ۹۶
- ۱۷ علل حوادث..... ۹۸

۱۰۳.....	۴۸ پیدایش افلاک.....
۱۰۵.....	۴۹ محرک و معشوق افلاک.....
۱۰۷.....	۴۰ چگونگی حرکات افلاک.....
۱۰۸.....	۴۱ هدف حرکت افلاک.....
۱۱۰.....	۴۲ عقیده شیخ اشراق در مورد هیولی.....
۱۱۵.....	۴۳ آفرینش عالم ماده.....
۱۱۸.....	۴۴ مزاج.....
۱۱۹.....	۴۵ مزاج انسانی و چگونگی ایجاد نفس در انسان.....
۱۲۱.....	فصل چهارم (بررسی شباهتها و تفاوتهای دیدگاه دو حکیم و ارزیابی و نتیجه گیری).....
۱۲۲.....	۴ شباهت آرای ابن سینا و سهروردی.....
۱۲۵.....	۴ موارد اختلافی دو فیلسوف.....
۱۲۸.....	۴ جمع بندی و ارزیابی.....
۱۲۹.....	فهرست منابع.....
۱۳۵.....	Abstract.....

فصل اول

مقدمه و کلیات

مقدمه

آفرینش جهان و راز این نکته که موجودات جهان چگونه به وجود آمده اند، یکی از دل مشغولی های بشر بوده است. و این سوال ذهن هرانسانی را به خود مشغول می کند و هرکسی در قد و اندازه ی خود، برای آن جوابی رادست و پا می کند. هر چند این جواب درست و یانادرست باشد.

البته برخی هم برای این که نمی توانند خود را قانع کنند. و یا توانایی این کار را ندارند، سعی می کنند که به این موضوع فکر نکنند.

به هر صورت پاسخ به این سوال، می تواند، جذاب و شنیدنی باشد. و از جمله فیلسوفانی که مبادرت به این کار نموده اند، ابن سینا و سهروردی هستند. که هر دو بانگاهی خاص، این موضوع را مورد بررسی و تبیین قرار داده اند. البته فیلسوفان و متکلمان زیادی چه در مغرب زمین و یا در شرق جهان، به این امر توجه نموده و در مورد آن مطلب نوشته اند. مثلاً برخی از فیلسوفان یونانی معتقد بوده اند که موجودات از عدم به وجود آمده اند. و تبیین های دیگری که هر یک در جای خود قابل بحث و بررسی است. لیکن به دلیل این که ابن سینا و سهروردی از حکیمان برجسته و صاحب نبوغ منحصر به فردی بوده اند. و به لحاظ اعتقادات مذهبی که با ما مشابه بوده اند می توانند پاسخ گوی بسیاری از سوالات مادر این زمینه باشند، بنابراین تبیین این دو حکیم، هم به لحاظ فلسفی و هم به لحاظ دینی برای ما با اهمیت تلقی می شود.

از آن جا که در هر تبیینی نکات برجسته و نکات ضعفی وجود دارد، و هیچ انسانی از داشتن نکات ضعف استثناء نیست، بنابراین، در مباحث پیش رو، در مرحله ی نخست به ارائه ی دیدگاه های آن ها پرداخته و سپس به ذکر شباهت و تفاوت های میان نظرات آن ها پرداخته ایم و در آخر به ارزیابی و جمع بندی و قضاوت در مورد آن ها اقدام نموده ایم.

البته لازم به ذکر است که با توجه به این که موضوع رساله بعد از اصلاحیه ی گروه، بر آثار تمثیلی سهروردی تأکید داده شده است. و همین امر، علاوه بر این که کار ما را سخت تر کرد، و با این که زمان زیادی روی آثار تمثیلی متمرکز شدیم، و جلسات متعددی با آقای دکتر رسولی داشتیم، هیچ دستاوردی در رابطه با موضوع مورد بحث در آثار تمثیلی سهروردی یافت نشد. و این امر به تأیید دکتر رسولی (استاد راهنما) و دکتر محمدی (استاد مشاور) و دکتر یحیی یثربی که در ارائه موضوع و در ادامه ی کار ما یاری دادند، نیز رسیده است. ضمناً موضوع اصلی که به گروه پیشنهاد شده بود. تأکیدی روی آثار تمثیلی نداشت.

ابن سینا که از فیلسوفان مشائی به شمار می رود و از پیروان ارسطو است. نظرات و ایده های او بیشتر به نحو برهانی و عقلی است. و در آثار فلسفی او به غیر از منطق المشرقیین، از مشرب تعقلی و استدلالی استفاده شده است. و او در بیشتر آثار فلسفی خود به شرح آراء ارسطو پرداخته است.

در مورد موضوع مورد بحث هم، ابن سینا با تقسیم موجودات به واجب و ممکن تصویری کلی از جهان را ارائه کرده است. او سپس اقدام به اثبات وجود واجب الوجود نموده و سایر موجودات جهان را ممکن الوجود می نامد.

سپس برای اینکه چگونگی آفرینش را تبیین کند، اقدام به اثبات عقول طولیه نموده است. او موجود اول را عقل اول دانسته و تعداد عقول را منحصر در ۱۰ عدد می داند و از هر عقلی هم یک فلک را صادر می داند، الا عقل دهم که معتقد است از عقل دهم فلکی صادر نمی شود. و به این ترتیب تعداد افلاک هم به نه می رسد.

او در مورد افلاک می گوید که هر یک از افلاک که از هر عقلی صادر شده است. آن عقل را معشوق آنها می داند. و برای فلک وجود نفسی را اثبات می کند که محرک مباشر افلاک هستند. و نفوس افلاک با حرکت ارادی که دارند، افلاک را به صورت دائمی و بی نهایت به حرکت درمی آورد. و از این حرکت دائمی و بافاضات عقل دهم که واهب الصور است. حوادث جهان کون و فساد به وجود می آیند.

او خلقت را امری دائمی و ازلی دانسته و علت دائمی بودن آن را کمال واجب الوجود می داند و می گوید که اگر خلقت دائمی نباشد، این امر موجب نقص در ذات واجب الوجود می شود.

خداوند را نیز از داشتن قصد و غرض در آفریدن موجودات مبری دانسته و او را فاعل بالعنایه می داند. و برای این منظوره تعریف و تشریح بخشش می پردازد.

بحث زمان و آفرینش از مباحث جذاب دیگری است که ابن سینا به آن پرداخته و زمان را محصول گردش افلاک می داند. و وجود زمان را نیز دلیل دائمی بودن آفرینش موجودات می داند.

وجود هیولی که از اعتقادات مشائیان است، ابن سینا هم برای وجود آن دلیل آورده و به کمک براهین وصل و فصل، وقوه و فعل، اقدام به اثبات آن نموده است. و مادر این رساله به ذکر براهان قوه و فعل به دلیل بیان ملا صدرا در مورد اهمیت این براهان، اکتفا نموده ایم.

ابن سینا سپس در مورد عناصر چهارگانه مختصری توضیح داده است و سپس به بیان مزاج و درگام آخر وجود نفس را در انسان تبیین کرده و آن را جسمانی الحدوث دانسته و با عقل اول مقایسه کرده است.

و اما سهروردی، او که موسس فلسفه اشراق است، و کشف و شهود قلبی را همراه با استدلال عقلی، برای کشف حقایق لازم می داند و همین امر موجب شده است که فلسفه ی سهروردی مشرب خاصی به نام فلسفه ی اشراق نام گذاری شود. و چون مشرب او بیشتر تا کیدش بر جنبه ی ذوقی است، همین امر موجب جذابیت بیشتر فلسفه ی او شده است. و چون که سهروردی متأخر از ابن سینا است، بنابراین با مطالعه و بررسی آثار ابن سینا، در مواردی از او تبعیت کرده و در مواردی هم به انتقاد از آراء او و فلسفه مشاء پرداخته است.

سهروردی در بیان آراء خود از مفاهیمی استفاده می کند که خودش، آن ها ابداع کرده است، او از وجود و موجود، تعبیر به نور کرده است. و بیشتر به جای استفاده از واژه ی واجب الوجود، واژه ی نورالانوار را به کار برده است. و از آن جایی که مشائیان وجود را از تعریف بی نیاز می دانند، سهروردی هم نور را بی نیاز از تعریف می داند. و دلیل آن را در این می داند که نور خودش ظاهر بالذات است. سهروردی از واقعیت اشیاء نور تعبیر می کند و تفاوت موجودات را در شدت و ضعف نورانیت آنها می داند. نور حقیقتی است ذاتا روشن و روشنائی

هرچیز دیگری وابستگی به آن دارد. بنابراین همه ی چیزها به واسطه ی نورانیت نور آشکار و تعریف می شود. ذات باری تعالی که خود، هستی مطلق است و نیز مبدأ تمام واقعیات می باشد، نور محض است. و بانور افشانی و متجلی شدن، همه ی چیزها را به وجود می آورد.

اونیز همانند ابن سینا اقدام به اثبات واجب الوجود کرده و سپس وجود سایر پدیده هارا تبیین میکند. او در اثبات وجود واجب تعالی از جهات عقلی استفاده کرده و وجود واجب تعالی را اثبات می کند. و بعد از اثبات وجود واجب تعالی، چگونگی صدور کثرت از او را تبیین می نماید. و در این باره اثبات می کند که اولین موجودی که از نور الانوار صادر می شود، نور اقرب است. اونیز همانند مشائیان وجود عقول طولی را می پذیرد. ولی علاوه بر آن اقدام به اثبات عقول عرضی و ارباب انواع می نماید و در این کار از فیلسوف یونانی (افلاطون) تبعیت می کند.

از قواعدی که از مبانی فلسفه ی اشراق به حساب می آید و از ابتکارات سهروردی است، قاعده ی امکان اشرف است که سهروردی در موارد گوناگون از جمله اثبات موجودات برتر، مثل وجود ارباب انواع، از آن استفاده کرده است.

سهروردی در اقدام بعدی مبادرت به تبیین حرکات افلاک و اثبات معشوق آن ها می پردازد. و سپس دایمی بودن خلقت را متذکر شده و برای اثبات آن دلیل می آورد. و خداوند را از داشتن هرگونه قصد و غرضی مبری می داند.

اونیز همانند ابن سینا علل حوادث عالم کون وفسادراحرکات افلاک می داند. وبحث اودر باره ی عناصر،مفصل است ودرموردآفرینش عناصرچهارگانه ونیزدرموردچگونگی ترتیب آن عناصرنکاتی رایبان نموده است. وسپس درباره ی مزاج توضیح داده، وبعد به حصول نفس ناطقه درانسان پرداخته وواحدویاکثیربودن آن راموردبررسی قرارداده وچگونگی ایجاد آن رادر جسم انسان تبیین کرده است.

درپایان به شرح مختصری از رساله های تمثیلی سهروردی می پردازیم.

مایه های اصلی رساله ها وحکایات سهروردی بیشتردرموردسیروسلوک انسانی به سوی مبدأ اصلی خودمی باشد.وبه عنوان مثال اودررساله ی«قصه غربت الغربیه»چگونگی سلوک طالب حقیقی رادرمراتب شناخت واتصال بافرشتگان وانوارقاهره وقرارگرفتن نفس سالک درمشرق نورمعرفت را درقالب حکایت توضیح می دهد.ودراین باره می گویدکه کودکی که اهل مشرق است به دیارغربت (دنیای خاکی)رانده می شود.وردرسرزمین غربت توسط اهالی آن به زنجیرکشیده شده ودرچاهی افکنده می شود.وفقط شب ها می تواندازآن خارج شود.ناگهان پرنده ی رحمت ازسمت شرق فرامی رسد واین پیام رابه اومی رساندکه بایدبه راه افتاده وبه وطن گمشده بازگردد.

تعریف مسأله

مسأله پیدایش جهان از مهم‌ترین مسائل فکری و فلسفی بشر بوده و تبیین چگونگی ربط حادث به قدیم و نحوه صدور کثیر از واحد یکی از دغدغه‌های فیلسوفان در طول تاریخ بشری بوده است. سهروردی نیز به عنوان یک فیلسوف اسلامی با ابتکار نظریه نورد فلسفه خود تلاش کرده است تا به ارائه جدید از این مسأله مهم بپردازد. بنابراین تبیین نظریه سهروردی در این مسأله که هم به بحث علیت و هم به مسأله مهم وحدت و کثرت مربوط می‌شود، محور این تحقیق بوده است و تطبیق دیدگاه‌های سهروردی با فیلسوف بزرگ یعنی ابن سینا و داوری میان آن‌ها از اهداف این رساله می‌باشد. و از آنجا که مبانی معرفتی دو فیلسوف متفاوت بوده است، قطعاً تبیین آن دو از مسأله حدوث و قدم و نحوه ارتباط آن‌ها تفاوت‌های مبنایی دارد. و سهروردی با توجه به کاستی‌هایی که در پیشینیان خود مخصوصاً ابن سینا در این مسأله مهم ملاحظه کرده و خود به تبیین مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناسی جدید و ارائه دیدگاه مستقلی در این مسأله دارد که مادر حد توان خود در این رساله به آن پرداخته ایم و سعی خواهیم کرد به پاسخ سوال‌های زیر نایل شویم

سوالات اصلی تحقیق

۱- مبانی سهروردی در تبیین مسأله حادث و قدیم و چگونگی ارتباط آن‌ها چیست؟

۲- مبانی ابن سینا در چگونگی ربط حادث به قدیم چیست؟

۳- موارد اختلاف و اشتراک دو فیلسوف در این زمینه چیست؟

سابقه و ضرورت تحقیق

در مورد دیدگاه ابن سینا در مسأله آفرینش جهان و هم چنین سهروردی در مسأله ماده و صورت و بحث از عقول طولی و عرضی و ارتباط آن ها پژوهش هایی انجام شده است اما تطبیق دودیدگاه در مسأله مهم حادث و قدیم و رابطه آن ها و تبیین چگونگی صدور حادث از قدیم و نشان دادن کاستی های تبیین مشائیون از این مسأله، نیازمند پژوهش مستقلی است و این پژوهش می تواند در نشان دادن پویایی فلسفه اسلامی و تلاش فیلسوفان برای تبیین مسائل فلسفی و کلامی مرتبط با باورهای دینی مانند رابطه حادث و قدیم و مسأله آفرینش، یک پژوهش ضروری تلقی شود.

فرضیه ها

۱ در فلسفه سهروردی اصل نظریه اصالت نور و مراتب آن و مسأله عقول طولی و عرضی و رابطه آن ها و نفی هیولی، از مهمترین مبانی تبیین رابطه حادث به قدیم به حساب می آید.

۲ در فلسفه ابن سینا تقسیم موجود به حادث ذاتی و زمانی و واجب و ممکن و نیز قبول عقول ده گانه و افلاک نه گانه و صدور هیولی از عقول و افلاک و پذیرش عناصر اربعه از مهمترین مبانی این مسأله است.

۳ از نظر سهروردی تبیین مشائیون به ویژه ابن سینا در مسأله صدور حادث از قدیم به دلیل محدودیت عقول واسط و وجود هیولی به عنوان ماده اولی متعارض و نامعقول بوده و او در آثار خود تجلی حادث از قدیم را به نحوی به عنوان راه حل جدید بیان کرده است.

هدف ها

- ۱ تبیین و تحلیل نظریه ابتکاری سهروردی درمسأله حادث و قدیم.
- ۲ نشان دادن برخی نواقص فلسفه مشاء درمسأله ربط حادث به قدیم و مسأله مهم آفرینش.
- ۳ ارائه یک پژوهش تطبیقی میان دو فیلسوف اسلامی.
- ۴ فراهم کردن زمینه پژوهش های تطبیقی و رویکرد تحلیلی و انتقادی در فلسفه اسلامی.
- ۵ نشان دادن برجستگی های فلسفه سهروردی در مقایسه با دیدگاه های رقیب، بایان ها و دلایل مختلف.